

## مقایسه رشد اجتماعی دانش آموزان شاهد و غیرشاهد شهر تهران

نویسندگان: دکتر اکبر رهنما<sup>۱</sup> و حمید علین<sup>۲</sup>

۱. استادیار دانشگاه شاهد
۲. کارشناس ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش

### چکیده

هدف اساسی پژوهش حاضر بررسی و مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد مقطع راهنمایی تحصیلی در شهر تهران بوده است. جامعه آماری دانش‌آموزان دوره راهنمایی مناطق ۲۰ گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ بوده‌اند، که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای ۱۰۴ نفر پسر و ۹۶ نفر دختر به‌عنوان نمونه از میان آنان برگزیده شده‌اند. روش تحقیق توصیفی - پیمایشی بوده و به‌منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق پرسشنامه ۲۷ سؤالی آزمون رشد اجتماعی الیس و ایتزمن بر روی آزمودنی‌ها به اجرا در آمده است و نتایج حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و روش‌های آمار استنباطی تحلیل واریانس یک راهه، آزمون «t» مستقل و تعقیبی توکی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که:

۱. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد دوره راهنمایی با دانش‌آموزان غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران تفاوت معناداری وجود ندارد.
۲. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران که مادران شاغل دارند با دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران که مادران خانه دار دارند تفاوت معنادار وجود دارد. و این نتیجه تأیید گردید که دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی که مادران شاغل دارند از رشد اجتماعی بیش‌تری نسبت به دانش‌آموزان دوره راهنمایی که مادران غیرشاغل دارند، برخوردارند.
۳. رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران رابطه مستقیم با سطح تحصیلات مادر داشته است. و تأیید گردید که دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی که مادرانشان دارای سطح تحصیلات بالاتری هستند، از رشد اجتماعی بیش‌تری برخوردارند.

واژه‌های کلیدی: رشد اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، دانش‌آموز، شاهد

دوماهنامه علمی - پژوهشی  
دانشگاه شاهد  
سال دوازدهم - دوره جدید  
شماره ۱۵  
اسفند ۱۳۸۴

### مقدمه

رفتار اجتماعی پایه و اساس زندگی هر فرد را تشکیل می‌دهد و رشد اجتماعی نیز به نوبه خود سبب اعتلای رشد عقلانی و سایر جنبه‌های رشدی فرد می‌گردد، منظور از رشد اجتماعی، نضج فرد در روابط اجتماعی است به طوری که بتواند با افراد جامعه‌اش هماهنگ و سازگار باشد، به عبارت دیگر وقتی فرد را اجتماعی

می‌خوانند که نه تنها با دیگران باشد بلکه با آنان همکاری کند [۱، ۲ و ۳]. رشد اجتماعی مهم‌ترین جنبه وجود هر شخص است. چون فرض بر این است که کودکان بدون رشد اجتماعی و داشتن مهارت‌های لازم قادر نیستند در تعامل اجتماعی با سایرین وظایف خود را انجام دهند [۴]. توجه به این نکته بسیار مهم است که نقص مهارت‌های اجتماعی عامل تعیین‌کننده‌ای در

با توجه به تعاریف ارائه شده از سوی صاحب نظران می‌توان گفت مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای کلامی و غیرکلامی مقبول، هدفمند، به هم مرتبط، تحت کنترل و آموختنی هستند که بیش‌تر جنبه تعاملی داشته و موجب شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت با دیگران گردیده، عزت نفس افراد را افزایش داده و پذیرش اجتماعی آن‌ها را تسهیل می‌کند.

انواع مهارت‌های اجتماعی که مبین رشد اجتماعی افراد هستند را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. مهارت‌های اجتماعی آغازین: شامل، گوش کردن، شروع گفت و شنود، سؤال کردن، تشکر کردن خود را معرفی کردن، دیگران را معرفی کردن، احترام گذاشتن
۲. مهارت‌های اجتماعی پیشرفته: شامل، تقاضای همکاری کردن، به گروه پیوستن، ارائه دستورالعمل، معذرت خواستن، دیگران را متقاعد کردن
۳. مهارت‌های مربوط به احساس: شامل آگاهی فرد از احساس خود و در میان گذاشتن آن با دیگران، درک احساس دیگران، تحمل خشم دیگران، تشویق خود
۴. مهارت‌های جایگزین برای پرخاشگری: شامل اجازه گرفتن، شریک شدن، کمک به دیگران، مذاکره کردن خویشتنداری، پافشاری بر حقوق خود، واکنش در برابر آزار، پرهیز از آزار رساندن به دیگران، دوری جستن از نزاع
۵. مهارت‌های مربوط به مواجهه با فشار: شامل، ابراز شکایت، تحمل بی‌توجهی دیگران، حمایت کردن از دوستان، واکنش در برابر شکست، تحمل تهمت، تحمل فشار گروه
۶. مهارت‌های برنامه‌ریزی: شامل تصمیم‌گیری برای انجام کار، پیدا کردن عامل ایجاد مشکل، هدف داشتن، اولویت‌بندی کردن مشکلات، تمرکز داشتن در کار [۵، ۶، ۷، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۱۷].

افزایش مسایل روحی و ذهنی کودکان است [۵] و مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز زندگی جمعی، طی فرآیند اجتماعی شدن کسب می‌گردد.

جریان اجتماعی شدن و رشد مهارت‌های اجتماعی که از لحظه تولد فرد شروع می‌شود تحت تأثیر نهادها، سازمان‌ها، افراد و گروه‌های زیادی قرار دارد که تنوع و گوناگونی مجموعه این عوامل موجب شده است تا رسیدن به توافق در زمینه تعریف مهارت‌های اجتماعی که نشان از بلوغ رشد اجتماعی در افراد دارد کمی دشوار گردد. برخی صاحب نظران تعریف‌هایی محدود و خاص از مهارت‌های اجتماعی ارائه کرده‌اند و برخی دیگر مهارت‌های اجتماعی را به صورت وسیع مطرح کرده‌اند. علی‌رغم اختلاف نظرها، وجه مشترک تمام این تعاریف، معیار بودن کسب این مهارت‌ها در سطوح مختلف به عنوان ملاک رشد اجتماعی در این سطوح، نزد صاحب‌نظران است. عمده‌ترین تعاریفی که از مهارت‌های اجتماعی توسط اندیشمندان ارائه گردیده است به صورت زیر است:

- رفتارهای آموخته شده و مقبول جامعه که موجب برقراری ارتباط متقابل گردیده و منجر به بروز پاسخ‌های مثبت و پرهیز از پاسخ‌های منفی می‌شود. این رفتارها نه تنها امکان شروع و تداوم روابط متقابل و مثبت با دیگران فراهم می‌کند بلکه توانایی نیل به اهداف و ارتباط با دیگران را نیز در شخص ایجاد می‌کند و باعث می‌شود شخص به گونه‌ای رفتار کند که دیگران او را با کفایت تلقی کنند [۷۶].
- رفتارهای کلامی و غیرکلامی آموخته شده و تحت کنترل فرد که در روابط میان فردی برای کسب تقویت‌های محیطی، یا حفظ و تداوم آن‌ها به کار گرفته می‌شود مانند: رعایت نوبت، سازگاری، پیش دستی در انجام تکالیف، انتخاب کردن، پذیرایی کردن و ارتباط برقرار کردن [۸، ۹ و ۱۰].
- توانایی‌های ضروری بین فردی مؤثر، توانایی کمک کردن به، و کمک گرفتن از، دیگران [۱۱، ۱۲ و ۱۳].

در بین عوامل مختلفی که رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان متأثر از آن‌ها است خانواده و مدرسه از مهم‌ترین عوامل به شمار می‌آیند [۱۸]. رفتار اجتماعی کودکان و نوجوانان ابتدا از رفتارهای اعضای خانواده اثر می‌پذیرد بعد از آن توسط همسالان و دوستان شکل می‌گیرد و در این مرحله است که مدرسه از مهم‌ترین محل‌هایی می‌شود که می‌تواند تربیت اجتماعی او را تحت تأثیر قرار دهد [۱]. به همین خاطر کمک به رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده و مراکز آموزشی است. این‌که کدام یک از عوامل فوق‌نقش بیش‌تر و مؤثرتری در رشد اجتماعی فرد دارند نیاز به تعمق و تحقیقات بیش‌تری دارد. اما آنچه تأیید گردیده آنست که آموزش مهارت‌های اجتماعی به صورت متمرکز بر رشد اجتماعی گروه‌های خاص مانند کودکان بی سرپرست که از رشد اجتماعی نسبتاً کم‌تری نسبت به همسالان خود که دارای سرپرست بوده‌اند برخوردارند، به نحو چشمگیری مؤثر بوده است [۱۹].

شناخت نحوه تأثیر والدین بر کودکان و بررسی نقش هر یک از آنان در روند رشد اجتماعی و شخصیتی کودکان و نوجوانان همواره مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است. و اغلب محققان در ارتباط با نقش حضور پدر در خانواده و تأثیر مثبت این امر در پیشرفت تحصیلی، رشد شناختی و رشد اخلاقی یا شکل‌گیری وجدان و تحول مناسب نقش جنسی و عدم حضور پدر در خانواده، و تأثیر منفی آن در موارد فوق‌اتفاق نظر دارند. کودکان و نوجوانان از یک طرف نیازمند نگرشی وحدت یافته، یکپارچه و توأم با آرامش هستند که ناشی از ارتباط اجتماعی مؤثر با مادر است و از طرف دیگر نیازمند کنترل پرخاشگری خود هستند که از ارتباط مؤثر با پدر سرچشمه می‌گیرد [۲۰].

آثار سوء ناشی از محرومیت از پدر در دو زمینه اصلی که مستقیماً می‌تواند در رشد اجتماعی فرزندان تأثیرگذار باشد، جلوه‌گر می‌شود که شامل: ۱- فقدان کنترل و نظارت والدین و ۲- عدم وجود الگو (مدل مناسب جهت همانندسازی برای فرزندان مذکر می‌گردد. هرزوک (Herzok) و فالینگنی (Fuligni) در سال ۱۹۹۳، با تأکید بر نقش پدر در فرایند اجتماعی شدن کودکان از نشانگان «گرسنگی پدر» که کودکان محروم از پدر دچار آن می‌شوند یاد می‌کند. در این حالت فرزندان برای تنظیم متناسب پرخاشگری خویش نسبت به دیگران، نیازمند بزرگسالان مذکر می‌باشند که کودکان محروم از پدر از این عامل محروم هستند. مینوچین (Minuchin)، بارتلت (Bartelt) و هاروکس (Harroks)، در سال ۱۹۹۳ دریافتند که نوجوانانی که والدین خود را از دست داده‌اند در مقایسه با نوجوانان دیگر نیاز اشباع‌ناپذیری به محبت دارند و به همین دلیل کوشش می‌کنند توجه جنس مخالف را به خود جلب کنند و بدین وسیله محرومیت عاطفی و خانوادگی خود را جبران کنند [۲۱]. سیرز (Sears)، از تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که در خانواده‌هایی که پدر حضور ندارد پسران کم‌تر پرخاشگر می‌شوند تا خانواده‌هایی که پدر در آن‌ها حضور دارد. وی معتقد است که در مورد دختران این نتیجه برعکس است، یعنی دختران خانواده‌های فاقد پدر بیش‌تر در مقایسه با دختران دارای پدر پرخاشگرتر هستند [۲۲]. هوستون (Hoston) سال ۱۹۸۳ نیز از تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که تأثیر فقدان پدر در پسران بیش از دختران است. پسرانی که بدون پدر بزرگ می‌شوند، گاهی پرخاشگرتر از پسرانی هستند که پدر در زندگی آنان حضور دارد [۲۳]. از نظر آنان غالب این تفاوت‌ها در مورد پسرانی است که در اوایل زندگی خود پدرشان را از دست داده‌اند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که پسرانی که با مادران بیوه خود زندگی می‌کردند در مقایسه با پسران خانواده‌های دو والدی، وابسته‌تر بودند. این پسران نسبت به افراد گروه گواه پرخاشگرتر بوده و علائمی از اضطراب جدایی از خود نشان دادند [۲۴].

همچنین در مطالعاتی که در مورد کودکان بزرگ‌تر انجام شد فقط پسرانی که پدرشان تا دوران پیش از مدرسه غایب بودند در مقایسه با آن‌هایی که پدرشان حضور داشت علائق و رفتار مردانه کم‌تری مشاهده گردید [۲۴ و ۲۵].

در این مرحله است که می‌تواند تربیت اجتماعی او را تحت تأثیر قرار دهد [۱]. به همین خاطر کمک به رشد اجتماعی کودکان و نوجوانان یکی از مهم‌ترین وظایف خانواده و مراکز آموزشی است. این‌که کدام یک از عوامل فوق‌نقش بیش‌تر و مؤثرتری در رشد اجتماعی فرد دارند نیاز به تعمق و تحقیقات بیش‌تری دارد. اما آنچه تأیید گردیده آنست که آموزش مهارت‌های اجتماعی به صورت متمرکز بر رشد اجتماعی گروه‌های خاص مانند کودکان بی سرپرست که از رشد اجتماعی نسبتاً کم‌تری نسبت به همسالان خود که دارای سرپرست بوده‌اند برخوردارند، به نحو چشمگیری مؤثر بوده است [۱۹].

شناخت نحوه تأثیر والدین بر کودکان و بررسی نقش هر یک از آنان در روند رشد اجتماعی و شخصیتی کودکان و نوجوانان همواره مورد توجه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان بوده است. و اغلب محققان در ارتباط با نقش حضور پدر در خانواده و تأثیر مثبت این امر در پیشرفت تحصیلی، رشد شناختی و رشد اخلاقی یا شکل‌گیری وجدان و تحول مناسب نقش جنسی و عدم حضور پدر در خانواده، و تأثیر منفی آن در موارد فوق‌اتفاق نظر دارند. کودکان و نوجوانان از یک طرف نیازمند نگرشی وحدت یافته، یکپارچه و توأم با آرامش هستند که ناشی از ارتباط اجتماعی مؤثر با مادر است و از طرف دیگر نیازمند کنترل پرخاشگری خود هستند که از ارتباط مؤثر با پدر سرچشمه می‌گیرد [۲۰].

آثار سوء ناشی از محرومیت از پدر در دو زمینه اصلی که مستقیماً می‌تواند در رشد اجتماعی فرزندان تأثیرگذار باشد، جلوه‌گر می‌شود که شامل: ۱- فقدان کنترل و نظارت والدین و ۲- عدم وجود الگو (مدل مناسب جهت همانندسازی برای فرزندان مذکر می‌گردد. هرزوک (Herzok) و فالینگنی (Fuligni) در سال ۱۹۹۳، با تأکید بر نقش پدر در فرایند اجتماعی شدن کودکان از نشانگان «گرسنگی پدر» که کودکان محروم از پدر دچار آن می‌شوند یاد می‌کند. در این حالت فرزندان برای تنظیم متناسب پرخاشگری خویش نسبت به دیگران، نیازمند بزرگسالان مذکر می‌باشند که کودکان محروم از پدر از این عامل محروم هستند. مینوچین (Minuchin)، بارتلت (Bartelt) و هاروکس (Harroks)، در سال ۱۹۹۳ دریافتند که نوجوانانی که والدین خود را از دست داده‌اند در مقایسه با نوجوانان دیگر نیاز اشباع‌ناپذیری به محبت دارند و به همین دلیل کوشش می‌کنند توجه جنس مخالف را به خود جلب کنند و بدین وسیله محرومیت عاطفی و خانوادگی خود را جبران کنند [۲۱]. سیرز (Sears)، از تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که در خانواده‌هایی که پدر حضور ندارد پسران کم‌تر پرخاشگر می‌شوند تا خانواده‌هایی که پدر در آن‌ها حضور دارد. وی معتقد است که در مورد دختران این نتیجه برعکس است، یعنی دختران خانواده‌های فاقد پدر بیش‌تر در مقایسه با دختران دارای پدر پرخاشگرتر هستند [۲۲]. هوستون (Hoston) سال ۱۹۸۳ نیز از تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که تأثیر فقدان پدر در پسران بیش از دختران است. پسرانی که بدون پدر بزرگ می‌شوند، گاهی پرخاشگرتر از پسرانی هستند که پدر در زندگی آنان حضور دارد [۲۳]. از نظر آنان غالب این تفاوت‌ها در مورد پسرانی است که در اوایل زندگی خود پدرشان را از دست داده‌اند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که پسرانی که با مادران بیوه خود زندگی می‌کردند در مقایسه با پسران خانواده‌های دو والدی، وابسته‌تر بودند. این پسران نسبت به افراد گروه گواه پرخاشگرتر بوده و علائمی از اضطراب جدایی از خود نشان دادند [۲۴].

همچنین در مطالعاتی که در مورد کودکان بزرگ‌تر انجام شد فقط پسرانی که پدرشان تا دوران پیش از مدرسه غایب بودند در مقایسه با آن‌هایی که پدرشان حضور داشت علائق و رفتار مردانه کم‌تری مشاهده گردید [۲۴ و ۲۵].

تحقیقات نیز گویای اهمیت بسیار زیاد آموزش مهارت‌های اجتماعی توسط نهادهای آموزشی و اثر فوق‌العاده آن بر رشد اجتماعی کودکان دارد.

ابراهیمی در سال ۱۳۷۲، نیز در تحقیق خود نتیجه می‌گیرد که وضعیت اشتغال مادر و رضایت وی از کار خود بر سازگاری اجتماعی دختران تأثیر مثبت دارد [۲۸]. مکاری در سال ۱۳۷۳، در تحقیقی که در رابطه با تأثیر سطح پیشرفت تحصیلی والدین بر رشد اجتماعی ۱۰۵ کودک ۶-۱۰ ساله در سه ناحیه مختلف شهر شیراز انجام داده است، نتیجه می‌گیرد که تحصیلات والدین بر هوش کلی و هوش اجتماعی کودکان تأثیر معنادار دارد [۳۵].

بیابانگر در سال ۱۳۷۳، در تحقیق خود نشان داده است که رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران شاغل داشتند به‌طور معناداری بالاتر از دانش‌آموزانی بود که مادران خانه‌دار داشتند [۲۹].

آئینه افروز و عبدالهی در سال ۱۳۷۴، در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی اثر فقدان پدر در پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی فرزندان شاهد مشغول به تحصیل در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی در سطح شهرستان تفرش» نشان داده‌اند که دانش‌آموزان شاهد در مقایسه با دو گروه دانش‌آموزان عادی و محروم از پدر (غیرشاهد) از رشد اجتماعی بالاتری برخوردار بودند [۳۱].

سعادت‌نژاد در سال ۱۳۸۰، در تحقیق خود تحت عنوان «مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر شاهد و غیرشاهد» در گروه سنی ۱۵-۱۲ با استفاده از آزمون رشد اجتماعی وایلند، نتیجه می‌گیرد که رشد اجتماعی دختران شاهد از دختران غیرشاهد بیشتر است [۲۲].

انصاری در سال ۱۳۸۰، در تحقیق خود تحت عنوان «مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد و غیرشاهد دوره دبیرستان در شهر تهران» که بر روی ۱۰۰ دانش‌آموز انجام گرفته است، بعد از اجرای آزمون رشد اجتماعی راتر بر روی آنان نتیجه گرفته است که رشد اجتماعی پسران شاهد بیشتر از پسران غیرشاهد بوده است و در مقایسه با دختران، نمرات پسران شاهد

مک‌کوبی و مارتین (Maccoby & Martin) در سال ۱۹۸۳، در تحقیقی که در رابطه با هوش، جنسیت، رشد اجتماعی و میل به مدرسه بر روی ۱۲۵ نفر از دانش‌آموزان کلاس اول در کشور هلند انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که آمادگی و میل به مدرسه باهوش و جنسیت ارتباط دارد ولی این عامل با رشد اجتماعی مرتبط نیست. آن‌ها همچنین دریافتند که رشد اجتماعی با جنسیت و هوش همبستگی دارد [۲۶].

مینوچین و همکاران در تحقیق خود، تجارب اجتماعی و رشد اجتماعی ۱۰۰ کودک کوردکستانی را مورد بررسی قرار دادند و متعاقب آن ۳۰ نفر از این کودکان را در برنامه‌ای که بعد از مدرسه برای آن‌ها تدارک دیده شده بود شرکت دادند، نتایج حاکی از آن بود که نمونه‌هایی که در برنامه‌های بعد از مدرسه شرکت کردند، خود را در یک مصاحبه دوستانه و جامعه‌سنجی بیش‌تر داوطلب می‌کردند [۲۱].

محمود (Mahmoud) در سال ۱۹۹۱، در تحقیق خود به مطالعه رابطه بین رشد اجتماعی و رشد اخلاقی پرداخت. در تحقیق وی ۳۴۷ دانش‌آموز دختر ۸-۱۵ ساله عربستانی مورد بررسی قرار گرفتند، نتایج حاکی از آن بود که بین رشد اجتماعی و رشد اخلاقی همبستگی مثبت وجود دارد [۳۳].

محمود در سال ۱۹۸۶، در کشور مصر تحقیقی بر روی ۹۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی انجام داد که در آن به نقش خانواده، مدرسه و گروه همبازی در رشد اجتماعی و پذیرش اجتماعی پرداخت. وی نتیجه می‌گیرد که هر چه سن آزمودنی‌ها بالا می‌رود، رشد اجتماعی آنان بیش‌تر می‌شد و از بین عوامل سه‌گانه خانواده، مدرسه و گروه همبازی، نقش مدرسه و گروه همسالان در دوره ابتدایی از نظر تأثیر در فرایند اجتماعی شدن کودکان نسبت به خانواده برجسته‌تر است [۳۴].

آنچه از مجموع نتایج تحقیقات فوق که در خارج از کشور به عمل آمده است بر می‌آید حاکی از اثرگذاری چشمگیر وجود و یا عدم وجود پدر بر رشد اجتماعی کودکان است. اما نتایج برخی از همین

### جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی تحصیلی مدارس شاهد شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل داده‌اند.

### نمونه تحقیق

به‌منظور انتخاب نمونه معرف از بین جامعه آماری فوق، از میان مناطق بیست آموزش و پرورش شهر تهران که دارای مدرسه شاهد بودند، هشت منطقه انتخاب و حجم گروه نمونه با توجه به مفروضه‌های مدل آماری پژوهش تعیین گردید. بدین ترتیب از طریق قرعه‌کشی تعداد ۸ مدرسه متناسب با تراکم جمعیت دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد انتخاب گردیدند و با استفاده از فرمول کوکران مشخص گردید که اندازه معرف گروه نمونه بین ۱۵۰ تا ۲۵۰ نفر است که حد متوسط آن یعنی ۲۰۰ نفر به‌عنوان گروه نمونه انتخاب گردید که ۹۴ نفر آنان دختر و ۱۰۶ نفر را پسر تشکیل دادند.

### ابزار تحقیق

ابزار تحقیق حاضر پرسشنامه محقق ساخته ۲۷ سؤالی بود که با استفاده از «آزمون رشد اجتماعی الیس وایتزمن» ساخته شده است. این پرسشنامه شامل سؤالاتی است که جنبه‌های مختلف رشد اجتماعی دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار می‌دهد. برای به‌دست آوردن اعتبار ابزار تحقیق، این پرسشنامه بر روی ۶۰ نفر از دانش‌آموزان گروه نمونه (۳۰ دانش‌آموز شاهد و ۳۰ دانش‌آموز غیرشاهد) اجرا گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۶۹ به‌دست آمد که اعتبار قابل قبولی می‌باشد. جهت تعیین روایی محتوای (content validity) پرسشنامه مذکور توسط ۱۰ نفر از متخصصان صاحب‌نظر در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی مورد بررسی قرار گرفت و در قالب مقیاس لیکرت، افراد مذکور میزان روایی ابزار تحقیق را در حد قابل قبول ارزیابی کردند. روایی فرم اصلی پرسشنامه نیز توسط «الیس وایتزمن» بر روی دانش‌آموزان گروه سنی ۱۸-۱۳ اجرا و مورد تأیید قرار گرفته بود.

بالتر از دختران شاهد بوده است. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر شاهد و دختر غیرشاهد تفاوت معناداری دیده نشد [۳۰].

شجری در سال ۱۳۸۲ در پژوهش خود با «عنوان بررسی مقایسه‌ای میزان رشد اجتماعی بین دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد شهر بیجار» به این نتیجه رسیده است که: بین میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر غیرشاهد و دختر غیرشاهد و همچنین دانش‌آموزان پسر شاهد و دختر شاهد تفاوت معناداری وجود ندارد [۳۲].

آنچه از مجموع نتایج تحقیقات به‌عمل آمده در داخل کشور بر می‌آید آنست که اثرات فقدان پدر در رشد اجتماعی دانش‌آموزان - مخصوصاً دانش‌آموزان شاهد - با نتایج تحقیقات خارج از کشور تفاوت‌هایی دارد که ضرورت بررسی و تعمق بیش‌تر در این خصوص را نمایان می‌کند. به همین دلیل در پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران درصدد بررسی فرضیات ذیل بر آمده‌ایم:

۱. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد دوره راهنمایی شهر تهران با دانش‌آموزان غیرشاهد دوره راهنمایی تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران که مادران شاغل دارند با دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی که مادران غیرشاغل دارند تفاوت معنادار وجود دارد.
۳. بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران و میزان تحصیلات مادرانشان رابطه معناداری وجود دارد.

### روش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات توصیفی است که طی آن رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته است.

### شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش علاوه بر استفاده از شاخص‌های آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و خطای معیار میانگین) از شاخص‌های آمار استنباطی از قبیل تحلیل واریانس و همچنین از آزمون تی استودنت (t.test) جهت مقایسه معناداری تفاوت میانگین‌ها و از آزمون توکی (tukey-test) به عنوان آزمون تعقیبی مناسب استفاده شده است.

۷۱ نفر آنان معادل ۳۷ درصد شاغل در مشاغل مختلف دولتی هستند. بنابراین، اکثر مادران خانه‌دار می‌باشند ولی با این حال درصد مادران شاغل نیز قابل توجه است و تعداد ۸ نفر از دانش‌آموزان گروه نمونه نیز به این مؤلفه پاسخی نداده‌اند.

جدول ۱: توزیع فراوانی تحصیلات مادران دانش‌آموزان گروه نمونه

سطح تحصیلات مادر	فراوانی	درصد
راهنمایی و ابتدایی	۴۷	۲۳/۵
دیپلم	۸۱	۴۰/۵
فوق دیپلم	۱۸	۹
لیسانس	۳۱	۱۵/۵
فوق لیسانس	۳	۱/۵
بی‌پاسخ	۲۰	۱۰/۲
جمع	۲۰۰	۱۰۰

### نتایج

بر اساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌ها تعداد گروه نمونه دانش‌آموزان پسر ۱۰۶ نفر با ۵۳ درصد و تعداد دختران ۹۴ نفر با ۴۷ درصد بوده است. که به این ترتیب درصد جنسیت دانش‌آموزان دختر و پسر برای گروه نمونه پژوهش مورد مطالعه تقریباً یکسان است. همچنین تعداد ۱۲۱ نفر از مادران دانش‌آموزان گروه نمونه معادل ۶۳ درصد آنان خانه‌دار می‌باشند و تعداد

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار رشد اجتماعی بر اساس جنسیت در دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد

گروه	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	تعداد
شاهد	پسر	۷۳/۹۳۳۳	۱۰/۵۶۸۸	۴۵
	دختر	۷۳/۹۶۳۶	۸/۶۱۷۳	۵۵
	کل	۷۳/۹۵۰۰	۹/۴۹۴۷	۱۰۰
غیرشاهد	پسر	۷۳/۶۰۶۶	۵/۳۹۵۳	۶۱
	دختر	۷۰/۴۱۰۳	۶/۴۷۱۵	۳۹
	کل	۷۲/۳۶۰۰	۶/۰۱۴۳	۱۰۰
کل	پسر	۷۳/۷۴۵۳	۷/۹۶۶۷	۱۰۶
	دختر	۷۲/۴۸۹۴	۷/۹۵۷۹	۹۴
	کل	۷۳/۱۵۵۰	۷/۹۶۷۳	۲۰۰

جدول ۳: تحلیل واریانس دو عاملی رشد اجتماعی بر اساس عوامل گروه و جنسیت

منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
گروه	۱۸۲/۶۲۸	۱	۱۸۲/۶۲۸	۲/۹۲	۰/۰۸۹
جنسیت	۱۲۱/۵۸۸	۱	۱۲۱/۵۸۸	۱/۹۴	۰/۱۶۵
گروه × جنسیت	۱۲۶/۲۸۸	۱	۱۲۶/۲۸۸	۲/۰۲	۰/۱۵۷
خطا	۱۲۲۶۲/۷۲۱	۱۹۶	۶۲/۵۶۵		
کل	۱۰۸۲۹۶۳/۰۰۰	۲۰۰			
کل اصلاحی	۱۲۶۳۲/۱۹۵	۱۹۹			

(با میانگین  $\bar{X}=72/49$ ) تفاوت معناداری (با میانگین  $\bar{X}=72/49$ ) تفاوت معناداری را نشان نمی‌دهند، هر چند ظاهر دو میانگین، بیانگر نمره بالاتر دانش‌آموزان پسر در رشد اجتماعی است، اما نتیجه نشان می‌دهد رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر و دختر گروه نمونه یکسان می‌باشند.

- تعامل بین جنسیت و گروه، یعنی رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر شاهد (با میانگین  $\bar{X}=73/93$ ) و رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر غیرشاهد (با میانگین  $\bar{X}=73/6$ ) همچنین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر شاهد (با میانگین  $\bar{X}=73/96$ ) و رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر غیرشاهد (با میانگین  $\bar{X}=70/41$ ) نیز تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

هرچند در ظاهر میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر شاهد ۳ نمره بالاتر از میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر غیرشاهد است ولی با  $p=0/16$ ،  $F=2/02$  در سطح آلفای  $\alpha=0/05$  تفاوت معناداری بین این دو گروه مشاهده نمی‌شود.

بنابراین تعامل جنسیت و عضویت «گروه شاهد و غیرشاهد» نیز تأثیری در رشد اجتماعی دانش‌آموزان نداشته است. پس به این ترتیب در خصوص فرضیه اول پژوهش می‌توان گفت که:

شواهد نشان می‌دهد که بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران تفاوت معناداری وجود ندارد و رشد اجتماعی این دو گروه تقریباً یکسان است بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت و رد شد.

#### ب: یافته‌ها در خصوص فرضیه دوم پژوهش

بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران که مادران شاغل دارند با دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی که مادران غیرشاغل دارند تفاوت معناداری وجود دارد.

مطابق محتوای جدول فوق، رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهدی که دارای مادران

براساس یافته‌های جدول ۱، ۷ درصد از مادران دانش‌آموزان دارای مدرک تحصیلی ابتدایی تعداد ۲۰ درصد تحصیلات راهنمایی ۴۴ درصد تحصیلات دیپلم، ۱۰ درصد تحصیلات فوق‌دیپلم و ۱۷ درصد تحصیلات لیسانس و ۲ درصد تحصیلات فوق‌لیسانس می‌باشند و در کل ۲۹ درصد مادران دانش‌آموزان گروه نمونه دارای تحصیلات عالی هستند و اکثر مادران دارای تحصیلات متوسطه می‌باشند.

همچنین از ۲۰۰ نفر نمونه تحقیق، ۱۰۰ نفر از گروه نمونه مورد مطالعه پژوهش حاضر به دانش‌آموزان شاهد و تعداد ۱۰۰ نفر به دانش‌آموزان غیرشاهد تعلق داشته‌اند. بنابراین، نسبت دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد در گروه نمونه مورد مطالعه مساوی بوده است. اضافه می‌کند براساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه‌ها از تعداد ۲۰۰ نفر گروه نمونه تعداد ۴۸ نفر (۲۴ درصد) در پایه اول راهنمایی و تعداد ۶۵ نفر (۳۳ درصد) در پایه دوم راهنمایی و تعداد ۸۷ نفر (۴۴ درصد) که بیش‌ترین آمار گروه نمونه مطالعه مورد پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند در پایه سوم راهنمایی مشغول به تحصیل بوده‌اند.

#### الف: یافته‌ها در خصوص فرضیه اول پژوهش

بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد دوره راهنمایی شهر تهران با دانش‌آموزان غیرشاهد دوره راهنمایی تفاوت معناداری وجود دارد.

بر اساس یافته‌های جدول ۳:

- عضویت در گروه پسر و دختر شاهد (با میانگین رشد اجتماعی  $\bar{X}=73/95$ ) با عضویت در گروه پسر و دختر غیرشاهد (با میانگین رشد اجتماعی  $\bar{X}=72/36$ ) تفاوت معناداری  $(F=2/92, p=0/09)$  ایجاد نکرده و میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد با غیرشاهد تفاوت معناداری با هم ندارند و این دو گروه دانش‌آموزان از نظر رشد اجتماعی تفاوت چشمگیری با هم ندارند.

- در خصوص عامل جنسیت، رشد اجتماعی پسران (با میانگین  $\bar{X}=73/74$ ) با رشد اجتماعی دختران

جدول ۴: نتایج آزمون تی استیودنت (t-test) بین میانگین رشد اجتماعی دانش آموزان دارای مادران شاغل و خانه‌دار

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	t	درجه آزادی	سطح معناداری
رشد اجتماعی	خانه‌دار	۱۲۹	۷۲/۰۳۱۰	۷/۸۱۴۲	۰/۶۸۸۰	۲/۷۳	۱۹۸	۰/۰۱
	شاغل	۷۱	۷۵/۱۹۷۲	۷/۸۸۹۶	۰/۹۳۶۳			

جدول ۵: نتایج تحلیل واریانس (ANOVA) یک عاملی رشد اجتماعی بر اساس تحصیلات مادر در دانش آموزان گروه نمونه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۲۰۶۹۴/۵۹	۴	۵۱۷/۳۹۸	۹/۹۷۵	۰/۰۰۰۱
درون گروهی	۸۹۲۱۷/۹۷	۱۷۲	۵۱/۸۷۲		
کل	۱۰۹۹۱۷۱/۵	۱۷۶			

جدول ۶: مقایسه میانگین رشد اجتماعی بر اساس تحصیلات مادر

(I) تحصیلات مادر	(J) تحصیلات مادر	میانگین اختلاف	خطای معیار	سطح معناداری
ابتدایی	راهنمایی	-۵/۷۳۳۳	۲/۴۰۹۳	۰/۱۲۱
	دیپلم	-۸/۹۲۵۹	۲/۲۲۷۸	۰/۰۰۱
	فوق دیپلم	-۸/۳۳۳۳	۲/۶۸۴۱	۰/۰۱۶
	لیسانس	-۱۳/۹۴۶۲	۲/۴۴۸۷	۰/۰۰۰
راهنمایی	ابتدایی	۵/۷۳۳۳	۲/۴۰۹۳	۰/۱۲۱
	دیپلم	-۳/۱۹۲۶	۱/۴۵۶۹	۰/۱۸۳
	فوق دیپلم	-۲/۶۰۰۰	۲/۰۸۹۰	۰/۷۲۵
	لیسانس	-۸/۲۱۲۹	۱/۷۷۶۳	۰/۰۰۰
دیپلم	ابتدایی	۸/۹۲۵۹	۲/۲۲۷۸	۰/۰۰۱
	راهنمایی	۳/۱۹۲۶	۱/۴۵۶۹	۰/۱۸۳
	دیپلم	۰/۵۹۲۶	۱/۸۷۶۷	۰/۹۹۸
	لیسانس	-۵/۰۲۰۳	۱/۵۲۱۱	۰/۰۰۹
فوق دیپلم	ابتدایی	۸/۳۳۳۳	۲/۶۸۴۱	۰/۰۱۶
	راهنمایی	۲/۶۰۰۰	۲/۰۸۹۰	۰/۷۲۵
	دیپلم	۰/۵۹۲۶	۱/۸۷۶۷	۰/۹۹۸
	لیسانس	-۵/۶۱۲۹	۲/۱۳۴۳	۰/۰۶۵
لیسانس	ابتدایی	۱۳/۹۴۶۲	۲/۴۴۸۷	۰/۰۰۰
	راهنمایی	۸/۲۱۲۹	۱/۷۷۶۳	۰/۰۰۰
	دیپلم	۵/۰۲۰۳	۱/۵۲۱۱	۰/۰۰۹
	فوق دیپلم	۵/۶۱۲۹	۲/۱۳۴۳	۰/۰۶۵



بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول ۶، رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد که دارای مادرانی با تحصیلات ابتدایی هستند، (با میانگین  $\bar{X}=64/64$ ) با رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد که دارای مادرانی با تحصیلات راهنمایی می‌باشند (با میانگین  $\bar{X}=70/4$ ) تفاوت معناداری ندارد، (هر چند که در ظاهر میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادرانی با تحصیلات راهنمایی دارند، از میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای مادر با تحصیلات ابتدایی بالاتر به نظر می‌آید)، همچنین رشد اجتماعی این دانش‌آموزان از رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران دارای تحصیلات دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس دارند، به‌طور معناداری کم‌تر است.

رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای مادر با تحصیلات راهنمایی به‌طور معناداری از رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای مادر با تحصیلات لیسانس کم‌تر است، در حالی که رشد اجتماعی همین دانش‌آموزان با دانش‌آموزانی که مادران آن‌ها دارای تحصیلات ابتدایی، دیپلم و فوق دیپلم هستند، تفاوت معناداری ندارد.

رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات دیپلم هستند (با میانگین  $\bar{X}=73/59$ ) از رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات لیسانس هستند به‌طور معناداری کم‌تر است. اما رشد اجتماعی همین دانش‌آموزان با دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات راهنمایی و فوق دیپلم هستند، یکسان است.

رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات فوق دیپلم هستند (با میانگین  $\bar{X}=73$ )، با رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات ابتدایی هستند به‌صورت معناداری تفاوت دارد (بالاتر است) اما با رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان سایر سطوح تحصیلی را دارا هستند تفاوت معناداری ندارد.

رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات لیسانس هستند با رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دیپلم

خانه‌دار هستند (با میانگین  $\bar{X}=72/03$ ) با رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهدی که مادران شاغل دارند (با میانگین  $\bar{X}=75/19$ ) متفاوت است. مقدار «تی» مشاهده شده ( $t=2/73$ ) در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار بوده و نشان می‌دهد که بین میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد که مادرانی شاغل و خانه‌دار دارند تفاوت معناداری وجود دارد. به‌صورتی که میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که دارای مادرانی شاغل می‌باشند به‌طور معناداری بالاتر از دانش‌آموزانی است که دارای مادران خانه‌دار هستند. پس می‌توان گفت که اشتغال مادر در خارج از منزل موجب رشد اجتماعی بالاتر فرزندان می‌گردد. به این ترتیب فرضیه دوم پژوهش مبنی بر تأثیر اشتغال مادر بر رشد اجتماعی فرزندان شاهد و غیرشاهد نیز مورد تأیید قرار گرفت. تحلیل جزئی‌تر این فرضیه نشان می‌دهد که میزان رشد اجتماعی دختران شاهد با میانگین  $73/96$  بالاتر از میانگین رشد اجتماعی دختران غیرشاهد با میانگین  $70/41$  است. ولی میانگین رشد اجتماعی پسران شاهد و غیرشاهد با توجه به عامل اشتغال مادر با یکدیگر تفاوت معناداری ندارد.

### ج: یافته‌ها در خصوص فرضیه سوم پژوهش

بین رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد دوره راهنمایی شهر تهران و میزان تحصیلات مادرانشان رابطه معناداری وجود دارد؟

نتیجه محتوای جدول ۵ در خصوص مادران نشان می‌دهد که F مشاهده شده ( $F=9/97$ ) در سطح  $99/9$  درصد اطمینان معنادار بوده و بین میانگین رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای مادر با تحصیلات در سطح ابتدایی، راهنمایی، دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس تفاوت معناداری از نظر کاری وجود دارد. این به معنا آن است که تحصیلات مادر در رشد اجتماعی فرزندان تأثیر چشمگیری دارد. به منظور تعیین تأثیر و مقایسه میانگین رشد اجتماعی پنج سطح تحصیلی فوق از آزمون پی‌گیری توکی استفاده شده که خلاصه نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

که بارتلت (Bartelt) و هاروکس (Harvoks) نشان داده‌اند. احتمال این که دانش‌آموزانی که والدین خود را از دست داده‌اند با تجربه منفی اولیه وارد مدرسه کردند، بسیار زیاد است. اما در توجیه نتیجه این تحقیق و تحقیقات همسو، خاطر نشان می‌شود که آنچه در بالا رفتن رشد اجتماعی بیش‌ترین اثر را دارد فرا گرفتن مهارت‌های اجتماعی است. مرجع فراگیری این مهارت‌ها مخصوصاً بعد از آن که کودک وارد مدرسه می‌شود، مدرسه و گروه همسالان است که این نتیجه تحقیقات محمود [۳۴] نیز مؤید همین نظر است و با در نظر گرفتن این که امکانات مدارس شاهد که محل تحصیل فرزندان شاهد است نسبت به مدارس دیگر در کشور ما در وضعیت تقریباً خوب قرار دارد و امکانات آموزشی نسبتاً مناسبی در این مراکز موجود است توجیه اینکه رشد اجتماعی فرزندان شاهد با غیرشاهد نه تنها تفاوت ندارد، بلکه در برخی از موارد فرزندان شاهد نسبت به فرزندان غیرشاهد حتی از رشد اجتماعی بالاتری نیز برخوردارند مشکل نمی‌کند. این نکته همچنین گویای آن است که در کنار تأکید بر آموزش و انتقال مفاهیم درسی در این مدارس به امور پرورشی و برگزاری مراسم و اردوهای تربیتی و نحوه تعامل سازنده با شاگردان که بدون تردید در رشد اجتماعی آنان مؤثر است نیز توجه می‌شود.

فرضیه دوم تحقیق مبنی بر این که رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهدی که مادران شاغل دارند نسبت به دانش‌آموزانی که مادران خانه‌دار دارند، بیش‌تر است مورد تأیید قرار گرفت. در رابطه با این فرضیه تحقیقات بیابانگرد [۲۹]، احمدی و قاسمی [۱۹] این مسأله را مورد تأیید قرار داده‌اند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان به این امر اشاره کرد که مادران غیرشاغل و خانه‌دار ممکن است چنان در نقش خود غرق گردند که فرزند خود را به وابستگی بیش‌تر به خود تشویق کنند و آزادی عمل کم‌تری را به فرزند خود بدهند و عملاً مانع از آن گردند که فرزندان رفتار اجتماعی رشد یافته‌ای از خود نشان دهند در صورتی که فرزندان مادران شاغل این کمبودها را از طریق خودبسندگی

دارند تفاوت معنادار دارد (بالاتر است) در حالی که رشد اجتماعی همین دانش‌آموزان با رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای فوق‌دیپلم هستند، یکسان است.

بنابراین مشاهده می‌شود رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان دارای تحصیلات عالی (فوق‌دیپلم و لیسانس) هستند، از رشد اجتماعی دانش‌آموزانی که مادران آنان تحصیلات عالی ندارند، بیش‌تر است. در مجموع با توجه به شواهد فوق‌درخصوص فرضیه سوم پژوهش می‌توان گفت: رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد رابطه مستقیم با میزان تحصیل مادران آن‌ها دارد. به عبارت دیگر مشخص گردید که دانش‌آموزان هر دو گروه که دارای مادر با تحصیلات بالاتر هستند از رشد اجتماعی بیش‌تری نیز برخوردارند. بنابراین، این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول پژوهش حاضر مبنی بر این که میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد با یکدیگر تفاوت معناداری ندارند، با استفاده از تحلیل واریانس دو عاملی (Anova) مورد تأیید قرار گرفت، به عبارت دیگر بر اساس نتایج این تحقیق این دو گروه از نظر رشد اجتماعی متفاوت نمی‌باشند. تحقیقات انصاری [۳۰]، همچنین شجری [۳۲] نیز این نکته را آشکار کرده بودند. لکن تحقیقات آیینه‌افروز و عبداللهی [۳۱] و سعادت‌نژاد [۲۷] مبین این نکته بودند که رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد از دانش‌آموزان غیرشاهد بیش‌تر است.

در تبیین این یافته باید به این نکته اشاره شود که همان‌طور که گفته شد عوامل متعددی رشد اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که از میان آن‌ها مدرسه و متغیرهای مرتبط با آن، به خصوص در آموزش مهارت‌های اجتماعی به عنوان شاخص رشد اجتماعی از جایگاه و اهمیت به سزایی برخوردار است. البته تأثیر خانواده و روابط والد-فرزندی به عنوان اولین محیط اجتماعی را در این رابطه نمی‌توان نادیده گرفت. چنان

حمایت اجتماعی که از طرف خانواده پدری و مادری دریافت می‌کنند در یادگیری رفتارهای اجتماعی و مسائل تحصیلی مشکل چندانی ندارند. چنان‌که یافته‌های تحقیقات پیشین نیز تفاوت معناداری بین فرزندان شاهد و غیرشاهد در شاخص اجتماعی شدن نشان نداده‌اند به هر حال محققین دیگر باید با انجام تحقیقات فرا تحلیلی برای این پرسش پاسخ دقیق‌تر پیدا کنند.

### پیشنهادها

- ۱- پیشنهاد می‌شود در خصوص عوامل مختلفی که بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان مؤثر است از قبیل زمینه‌های خانوادگی، کتب درسی، معلمان، همسالان و نقش فرهنگ اجتماعی و وسایل ارتباط جمعی تحقیقات بیشتر صورت گیرد.
- ۲- با توجه به این که دوره راهنمایی تحصیلی و دوره اول آموزش متوسطه به ترتیب برای دانش‌آموزان دختر و پسر مقارن با دوره بلوغ است و این دوره در پرورش شخصیت اجتماعی شاگردان نقش حساسی دارد، تحقیقات بیشتر تری بر روی دانش‌آموزان در این دوره‌های تحصیلی صورت گیرد.
- ۳- پیشنهاد می‌گردد با توجه به ارتباط متقابل و تعامل سازنده مدرسه با اجتماع و نقش مهم آن در پرورش اجتماعی شاگردان، در خصوص فضای فرهنگی- اجتماعی مدارس و شیوه‌های انطباق محتوی، هدف‌ها و روش‌های تربیت اجتماعی مدرسه با واقعیت‌های جامعه تحقیقات بیشتر تری صورت گیرد.

### منابع

۱. شعاری نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۴) روان‌شناسی رشد، تهران، انتشارات مؤسسه اطلاعات.
۲. شریعتمداری، علی (۱۳۷۷) جامعه و تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات امیرکبیر.

بیش‌تر و کسب استقلال و آزادی عمل و داشتن مادر موفق و لایق به‌عنوان الگوی مطلوب انجام فعالیت‌های اجتماعی جبران می‌کنند. در جامعه ایران نیز به نظر می‌رسد با توجه به این که اشتغال مادر در خارج از خانه به‌عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی می‌گردد، شاغل بودن مادر چنانچه نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد، تأثیر مثبتی بر رشد اجتماعی و بیان خود دانش‌آموزان داشته باشد.

فرضیه سوم تحقیق مبنی بر این که رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهدی که مادران آنان از سطح تحصیلات بالاتری برخوردارند نسبت به والدینی که تحصیلات کم‌تری دارند، بیش‌تر است مورد تأیید قرار گرفت. در همین راستا تحقیقات مکارمی [۳۵]، ابراهیمی [۲۸] و نیز از پیش، نشان داده بودند که سطح تحصیلات والدین هم بر میزان هوش و هم بر رشد اجتماعی و سازگاری فرزندان تأثیر مثبت دارد. در تبیین یافته این تحقیق و یافته‌های همسو می‌توان خاطر نشان کرد که میزان و سطح تحصیلات والدین می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای در گرایش به تحصیل و جهت‌گیری اجتماعی دانش‌آموزان در راستای انجام فعالیت‌های اجتماع‌پسندانه باشد. به‌طور کلی باید خاطر نشان کرد که رشد اجتماعی به‌عنوان یک متغیر وابسته از متغیرهای مستقل و عوامل زیادی تأثیر می‌پذیرد که وجود یا عدم وجود والدین، سطح تحصیلات والدین و اشتغال مادر از متغیرهای مستقلی بشمار می‌رفتند که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار گرفت و در آن مشخص گردید که بین سطح تحصیلات مادر و شاغل یا غیرشاغل بودن او، و رشد اجتماعی فرزندان آنان رابطه وجود دارد، لیکن رشد اجتماعی آنان مرتبط با وجود یا عدم وجود پدر (شهادت) نیست. برای توضیح بیش‌تر این مورد می‌توان این‌گونه استدلال کرد که فرزندان شاهد به‌ویژه در جامعه ما ممکن است به لحاظ توجه تحصیلی و تربیتی که دریافت می‌کنند یعنی این که نوعاً مدارس شاهد لاقلاً در سطح تهران جزء مدارس موفق هستند که احتمال استفاده از کادر مجرب در آن‌ها زیاد است و همچنین فرزندان شاهد به علت

21. Minuchin P.P. Bartelt and Howes (1993) The school as a contract for social development, socialization personality, New york wiley U.S.A.
22. Sears K.C. (2003) The development of adolescents and emotional growth, englewood cliffs N.J. prentice, U.S.A
23. Hoston A.C. (1983) Socialization of Personality and social development, hand book of child psychology, Vol.4, pp.101-106, New york.
24. Atkinson Mary & Hornby Carry (2002) Mental health hand book for schools, longman press, London.
25. Biller H.D. (1977) Father, child and sexrole interaction between them, mass heath putlication, New york
26. Maccoby E.E. & Martin J.A. (1993) Socialization in the context of the family: Parent- child inteaction. Hand book of child psychology, Vol.7.
27. سعادت‌نژاد، علی (۱۳۸۰) مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
28. ابراهیمی، عصمت (۱۳۷۲) بررسی تأثیر اشتغال مادر بر سازگاری اجتماعی دختران دوره دبستان در شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم.
29. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۳) تأثیر اشتغال مادران بر رشد اجتماعی و پیشرفت تحصیلی کودکان، خلاصه مقالات پنجمین مجمع علمی جایگاه تربیت- معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
30. انصاری، محمدرضا (۱۳۸۰) بررسی و مقایسه رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد و غیرشاهد در دوره متوسطه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
31. آئینه‌افروز، نیره و عبداللهی، حمیدرضا (۱۳۷۳) بررسی اثر فقدان پدر در پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی فرزندان شاهد در طرح پراکنده، استان مرکزی، شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
32. شجری، مرتضی (۱۳۸۲) بررسی مقایسه‌ای میزان رشد اجتماعی بین دانش‌آموزان شاهد و غیرشاهد شهر بیجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی.
33. Mahmoud M.A. (1991) Social and moral development among elementary school students in saudia Arabia Derasat- Natseyeh, Vol.1, p.3.
34. Mahmoud M.A. (1986) Social development in Egypt, Derasat- natseyeh Vol.1, p.1.
35. مکارمی، آذر (۱۳۷۳) تأثیر سطح تحصیلات والدین بر رشد اجتماعی کودکان، خلاصه مقالات پنجمین مجمع علمی جایگاه تربیت- معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
3. وایتزمن، الیس (۱۳۷۱) رشد اجتماعی، ترجمه سیما نظری، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
4. Beelman & Others (1994) Effect of Social Competence in Children Journal of Clinical Child Psychology, 23, pp,123-129
5. Moote.J.R & Other (1999) Social Skills Trianing With Youth in Schloo Setting, Reserch on Social Work Practice, vol.9. Issue 4.
6. کارتلیج، جی و میلبرن، جی. اف (۱۳۷۵) آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
7. هارجی، اون و همکاران (۱۳۷۷) مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، ترجمه خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد.
8. Rin R.C. & Markel A. (1979) Modification of social skills deficits in children, New york, plenum.
9. Michelson & Others (1983) Social skills assessment and training with children, New york, plenum.
10. Gut D. & Safran S. (2002) Cooperative learning and social stories, Reading and writing Quarterly, 18, pp.97.
11. Bornstein M.R. & Others (1997) Social skills training, Jornal of Applied Behavior Anlysis, 10. pp.178-193.
12. Combs M.L. & Slaby D.A. (1997) Social skills training with children Advancess in Clinical child Psychology, vol.1.
13. Santos K. & Allsolopp D. (1998) Collabration to teach social skills, Publication of the Norh- western Codsrtrium training and teaching Assistance Center, vol.3, Issue 1.
14. Walker H. & Others (1983) The walker social skills curriculum, Austin, university of oregon.
15. La Greca & Others (1984) Social skills training with elementary school student, Jornal of consulting and clinical child psychology.
16. Cole P. & Chan (1990) Methds and strategies for special education prentice – Hall.
17. Smith J. (2002) Behavior management getting to the bottom of special skills deficits purdue university calumet froum – council for learning disabilities.
18. اعزازی، شهلا (۱۳۷۴) مدرسه مکان اجتماعی کردن کودکان و نوجوانان، خلاصه مقالات پنجمین مجمع جایگاه تربیت در آموزش و پرورش، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش.
19. احمدی، سیداحمد و قاسمی، ابوالقاسم (۱۳۷۶) تأثیر مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی شبه خانواده‌های تحت پوشش سازمان بهزیستی استان اصفهان، مجله پژوهش، شماره ۲۳، صص ۳۰-۲۱.
20. آدامز و دیگران (۱۳۶۹) روان‌شناسی کودکان محروم از پدر، ترجمه خسرو باقری، محمد عطاران، انتشارات تربیت.